



نشر چشمه

بِلین هاردن  
فرار از اردوگاه ۱۴

فرار اودیسه وار مردی از  
کره‌ی شمالی به سوی آزادی  
ترجمه‌ی مسعود یوسف حصیرچین

- جهان‌نو -

## فهرست

۱۱.....	پیش‌گفتار .....
۱۵.....	مقدمه .....
۲۹.....	بخش یک .....
۱۲۳.....	بخش دو .....
۱۷۵.....	بخش سه .....
۲۰۷.....	مؤخره .....
۲۱۳.....	قدردانی‌ها .....
۲۱۷.....	ضمیمه .....
۲۱۹.....	ده قانون اردوگاه ۱۴ .....

## پیش‌گفتار

اولین خاطره‌ی او یک اعدام است.

همراه با مادرش به طرف مزرعه‌ی گندمی در نزدیک رودخانه‌ی تایدونگ<sup>۱</sup> می‌رفت که نگهبانان در آن‌جا چند هزار زندانی را گرد هم آورده بودند. پسرک که به خاطر جمعیت هیجان‌زده بود، از میان پاهای بزرگ‌سالان به ردیف جلو خزید و دید که نگهبان‌ها مردی را به تیرکی چوبی می‌بندند.

شین این‌گونه<sup>۲</sup> چهارساله بود و بسیار کوچک‌تر از آن‌که از سخنرانی پیش از اعدام سرنگهبان سر در بیاورد. در اعدام‌های فراوانی که در سال‌های آینده اتفاق می‌افتادند او به سخنرانی سرنگهبان گوش خواهد داد که به جمعیت می‌گوید به زندانی در آستانه‌ی مرگ «رستگاری» از طریق کار با اعمال شاقه پیشنهاد شد، اما او این سخاوتمندی حکومت کره‌ی شمالی را رد کرد. نگهبانان برای جلوگیری از ناسزاگویی زندانی به حکومتی که می‌خواهد جانش را بگیرد، دهان او را پُر از سنگ‌ریزه کردند و سرش را با پارچه‌ای پوشاندند.

در اعدام اول، شین دید که سه نگهبان هدف‌گیری کردند و هر کدام سه بار ماشه را چکاندند. صدای شلیک تفنگ‌ها پسرک را ترساند و او سریعاً به عقب پرید. اما از همان پشت، بالاوپایین می‌پرید تا ببیند نگهبانان به سمت بدن آغشته‌به‌خون می‌روند و آن را در پارچه‌ای می‌پیچند و به‌زحمت در گاری می‌گذارندش.